

Lexical Critique of Abdul Haq Dehlvi's Translation of Fotuh Al-Ghayb (Relying on the Semantic-Linguistic Level of Garces' Theory)

Mohammad Bidkhuni 

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Hossein Aghahosseini Dehaghani * 

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Vocabulary critique is one of the critiques used to evaluate translations of various texts. Garces' (1994) theory is one of the most comprehensive models presented in this type of critique, which radically evaluates the quality of translation and is based on the principle of equality between the source and destination text at four levels: semantic-lexical, syntactic-explicit, discourse-role, and style-cognitive purpose. This research intends to evaluate and critique the lexical choices of Mohaddith Dehlavi's translation of Fotuh al-Ghayb based on the semantic-lexical level of Garces' model by a descriptive-analytical method. For this purpose, after a brief introduction of Mohaddith Dehlavi and his translation, Garces' theory is briefly explained, and then the applicable cases of this theory are mentioned in detail in separate titles on the examples taken from the book. The findings of this study show that the terms of Dehlavi's translation can be evaluated and criticized from the perspective of the components of Garces' theory. In addition to being interpretive, this translation contains many instances of equivalence and similarity, lexical expansion, and ambiguity.

Keywords: Translation of Fotuh Al-Ghayb, Abdul Haq Mohaddith Dahlavi, Garces Model, Translation, Words.

- The Present Paper is Adapted from a Ph.D. Thesis on Persian Language & Literature, Isfahan University.

* Corresponding Author: h.aghahosaini@gmail.com

How to Cite: Bidkhuni, M., Aghahosseini Dehaghani, H. (2021). Lexical Critique of Abdul Haq Dehlvi's Translation of Fotuh Al-Ghayb (Relying on the Semantic-Linguistic Level of Garces' Theory). *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*. 11 (24). 329-354. doi: 10.22054/rctall.2021.58127.1530.




پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی


دوره ۱۱، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۳۳۰-۳۵۴

rctall.atu.ac.ir

DOI: 10.22054/RCTALL.2021.58127.1530

نقد واژگانی ترجمه‌های شیخ عبدالحق محدث دهلوی از فتوح الغیب (با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس)

محمد بیدخونی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

حسین آقاحسینی دهاقانی  * استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

نقد واژگانی از جمله نقدهایی است که برای سنجش ترجمه‌های متون گوناگون به کار می‌رود. الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه گارسس (۱۹۹۴) از جمله جامع‌ترین الگوهای ارائه شده در این نوع نقد است که به طور ریشه‌ای به ارزیابی کیفیت ترجمه می‌پردازد و بر اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد در چهار سطح معنایی - لغوی، نحوی - صرفی، گفتمانی - نقشی و سبکی - مقصودشناختی، استوار است. این پژوهش در نظر دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی انتخاب‌های واژگانی ترجمه محدث دهلوی از فتوح الغیب را براساس سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس ارزیابی و نقد کند. برای این منظور پس از معرفی اجمالی محدث دهلوی و ترجمه وی، الگوی گارسس به طور مختصر تبیین و سپس کاربردهای مؤلفه‌های سطح معنایی - لغوی این الگو بر مثال‌های مستخرج از کتاب در عنوان‌های جداگانه، ذکر می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ترجمه محدث دهلوی از منظر مؤلفه‌های الگوی گارسس دارای معیار مقبولیت بوده و از کیفیت قابل قبولی برخوردار است؛ زیرا علاوه بر تفسیری بودن، موارد فراوانی از معادل‌سازی و همانندی، بسط واژگانی و همچنین رفع ابهام را در خود دارد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه فتوح الغیب، عبدالحق محدث دهلوی، الگوی گارسس، ارزیابی ترجمه، واژگان.

مقدمه

۱. مسأله پژوهش

نقد علمی ترجمه به عنوان یکی از زمینه‌های پرکاربرد مطالعات ترجمه، فرآیندی دانش‌محور است که به طور روشمند و با تکیه بر الگوهای خاصی که از سوی دانشمندان زبان‌شناس و متخصصان علم ترجمه ارائه می‌شود به بررسی انتخاب‌های مترجمان و چرایی آن‌ها می‌پردازد و از واژگان تا مؤلفه‌های فرامتنی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ترجمه آثار گوناگون، معمولاً مواردی مانند افزایش، کاهش، حفظ مضمون و تعدیل و تغییر را مشاهده می‌کنیم که یا به دلیل ویژگی‌های مثبت ترجمه است و یا از معایب و ضعف ترجمه حکایت دارد. برای اظهار نظر درباره نقاط قوت و ضعف ترجمه لازم است که متن ترجمه از منظر الگوهای ارائه شده در این زمینه بررسی شود.

کتاب فتوح الغیب اثر شیخ عبدالقادر گیلانی، متنی عرفانی است که با عنوان «مفتاح الفتوح» به قلم شیخ عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲) در قرن یازدهم به زبان فارسی ترجمه شده است. بررسی ترجمه این کتاب همراه با متن اصلی آن طبق یک الگو می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موردی، بیانگر مزیت‌ها و معایب ترجمه باشد و چارچوبی را برای نحوه ترجمه آثار ادبی و عرفانی به شکل اصولی ارائه دهد. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با تکیه بر الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه کارمن گارسس^۱ به عنوان الگویی جامع که می‌تواند نتیجه دقیق‌تری ارائه دهد به بررسی و نقد انتخاب‌های واژگانی مترجم پرداخته است. برای نیل به این هدف کوشش شده با مقایسه بخش‌هایی از متن مبدأ با متن ترجمه، مواردی از ویژگی‌های ترجمه که گارسس برای سطح معنایی- لغوی برشمرده است، استخراج شود تا هم وجود این ویژگی‌ها در ترجمه وی ثابت شود و هم راهبردهای ترجمه‌ای مترجم برای هر یک از نمونه‌ها مشخص شود.

۲. روش پژوهش

در این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده، پس از معرفی اجمالی محدث دهلوی و اثر وی، الگوی گارسس به طور مختصر تبیین شده، سپس کاربست مؤلفه‌های سطح

1 - Garces, C. V.

کارمن والرو گارسس (۱۹۵۸)، استاد مطالعات زبان انگلیسی و عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا.

معنایی- لغوی این الگو بر مثال‌های مستخرج از کتاب در عنوان‌های جداگانه، ذکر شده است تا روشن شود که انتخاب‌های واژگانی مترجم چگونه است و کیفیت ترجمه وی براساس مؤلفه‌های سطح معنایی- لغوی گارسس در چه سطحی قرار دارد.

۳. اهمیت و هدف پژوهش

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفی ترجمه محدث دهلوی از کتاب فتوح الغیب در نظر دارد تا انتخاب‌های واژگانی محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲) در ترجمه این متن عرفانی را به بوته نقد بگذارد. همچنین بیان مزیت‌ها و معایب ترجمه با تکیه بر الگوی ارزیابی ترجمه که در این نوشتار بدان پرداخته شده است، می‌تواند چارچوبی را برای نحوه ترجمه آثار ادبی و عرفانی به شکل اصولی ارائه دهد. علت انتخاب این نسخه خطی برای پژوهش، آشنایی با ترجمه نویسنده پارسی‌گوی شبه‌قاره، عبدالحق محدث دهلوی است که فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای پارسی‌زبانان در دهلی می‌زیسته و مؤلف ده‌ها اثر به زبان فارسی است که بیشتر آن‌ها تاکنون تصحیح و چاپ نشده‌اند. برای این منظور پس از تصحیح این نسخه، ارزیابی کیفی ترجمه آن در دستور کار قرار گرفت تا زمینه‌ای برای آشنایی محققان و نسخه‌پژوهان با آثار پرشمار این نویسنده و سبک ترجمه پارسی‌گویان هند باشد. دلیل دیگر انتخاب این نسخه آن است که محدث دهلوی در ترجمه خود بر ارائه متنی بدون ابهام برای مخاطب تأکید می‌کند و در فرآیند ترجمه آیات و احادیث و سخنان عبدالقادر گیلانی به گزینش واژگان اهمیت زیادی داده است.

۴. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

- این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای سه پرسش زیر است:
- کیفیت ترجمه محدث دهلوی براساس سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس چگونه است؟
 - این ترجمه به زبان مبدأ پایبند است یا مقصد؟
 - کدام مؤلفه‌های این الگو در ارزیابی ترجمه محدث دهلوی بازتاب بیشتری دارند؟
- به منظور دستیابی به پاسخی مناسب برای پرسش‌های بیان شده، سه فرضیه نیز مطرح شده است که عبارتند از:
- کیفیت ترجمه محدث دهلوی براساس ویژگی‌های ترجمه که در سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس مطرح شده است در سطحی قابل قبول قرار دارد.

- مترجم در اکثر مواضع، خود را پایبند به اسلوب متن مبدأ و ملزم به انتقال همان اسلوب به متن ترجمه می‌داند.

- به نظر می‌رسد مؤلفه‌های معادلسازی، تعریف، توضیح و بسط، بازتاب بیشتری در ترجمه محدث دهلوی دارد، اما نمود برخی از مؤلفه‌ها مانند قبض و انتقال ابهام در این اثر کم‌رنگ است.

۵. پیشینه پژوهش

در حیطه نقد واژگان ترجمه‌های مختلف، تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مقاله فهیمی تبار (۱۳۸۴) با عنوان «نقد واژگانی ترجمه قرآن به زبان فارسی بر اساس بافت» که تلاش کرده توجه یا عدم توجه مترجمان به معانی بافتی واژگان قرآنی را نشان دهد.

رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) در مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس)» واژگان ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم را براساس سطح معنایی - لغوی گارسس مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. این ارزیابی نشان می‌دهد واژگانی که گرمارودی در ترجمه از آن بهره برده از منظر مؤلفه‌های الگوی گارسس قابل نقد و ارزیابی است و بسیاری از تکنیک‌های موجود در سطح اول الگوی گارسس در ترجمه گرمارودی وجود دارد. وی (۱۳۹۷) همچنین در مقاله دیگری با عنوان «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی - لغوی» به این نتیجه رسیده است که محمد دشتی در انتخاب‌های واژگانی خود به بسط واژگان در قالب‌های مختلف گراییده و تا حد ممکن ابهام‌های واژگانی نهج البلاغه را با توضیح و تفسیر از میان برده تا هیچ واژه مبهمی در ترجمه وجود نداشته باشد.

رشیدی و فرازانه (۱۳۸۹ و ۱۳۹۴) در دو مقاله «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین^۱ بر اساس الگوی گارسس» و «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل دو سروانتس^۲ بر اساس الگوی گارسس» به معرفی الگوی گارسس و کاربرت آن در ترجمه‌های یادشده پرداخته‌اند.

1- Twain, M.

2- Cervantes, M.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون در هیچ پژوهش نظام‌مندی به نقد واژگانی و ارزیابی ترجمه شیخ عبدالحق محدث دهلوی از فتوح الغیب براساس الگوی گارسس پرداخته نشده است و پژوهش حاضر برای اولین بار، هم به نقد روشمند ترجمه عبدالحق دهلوی می‌پردازد و هم جزو اولین‌هایی است که از الگوی گارسس در نقد ترجمه اثر عرفانی سود جسته است.

۶. گزارشی از احوال محدث دهلوی

عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله ترک بخاری دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ قمری)، صوفی، محدث، مورخ و از معروف‌ترین عالمان زمان خود بوده است. عبدالحق در عهد سلطنت اسلام‌شاه سوری در دهلی به دنیا آمد. وی در یکی از نسخه‌های خطی این‌گونه معرفی شده است: «وطن وی دهلی، اصالت وی بخاری، نسبت وی ترکی، مذهب وی حنفی، مشرب وی صوفی و طریقه وی قادری است» (محدث دهلوی، ۱۳۸۳). عبدالحق تحصیلات مقدماتی، قرآن، دیوان حافظ و بوستان سعدی را نزد پدر خود فراگرفت. وی پس از پایان فراگیری علوم عقلی و نقلی در سن ۱۸ سالگی به تدریس اشتغال ورزید (لاهوری، ۱۸۶۸). او در قرن دهم، علم حدیث را احیا کرد. پس از تحصیل به تصوف روی آورد و به طریقت قادریه پیوست. ملا عبدالقادر بدایونی صاحب منتخب‌التواریخ در وصف وی نوشته است: «شیخ عبدالحق محدث دهلوی در تصوف مرتبه بلند دارد» (بدایونی، ۱۹۶۲).

محدث دهلوی به طور قطع در زمینه‌های مختلف مانند فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ، عرفان و شعر استاد و صاحب تألیفات متعددی بوده است؛ چنانکه بعضی تعداد آثار او را متجاوز از ۱۲۰ جلد دانسته‌اند. آثار باقیمانده از وی می‌تواند به عنوان میراث مشترک فرهنگ و تمدن ایران و هند به‌شمار آید (حاج‌سیدجوادی، ۱۳۸۷). اکثر کتاب‌های این نویسنده پراثر هندی تاکنون تصحیح نشده است و شناساندن گنجینه ارزشمند میراث مکتوب وی می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقیقات نسخه‌پژوهان به‌شمار آید.

۷. معرفی ترجمه فتوح الغیب (مفتاح الفتوح)

ادب فارسی و عرفان اسلامی از سالیان دور در شبه‌قاره مشتاقان زیادی داشته و آثار گران‌سنگ بسیاری به زبان فارسی از ایشان به جا مانده است. از جمله این آثار، کتاب مفتاح‌الفتوح نوشته شیخ عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲)، عالم حدیث، محقق، مورخ

و از عارفان طریقت قادریه است. از این اثر، دو نسخه به شماره‌های ۰۶۸۴ و ۱۳۹۰ در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان و یک نسخه به شماره ۷۷۶۰۵۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. عبدالحق در نوشتن این اثر علاوه بر ترجمه الفاظ و معانی کتاب فتوح الغیبیه بسط و تفصیل سخنان عبدالقادر گیلانی و نقل مذاهب و اقوال عارفان نیز توجه داشته است. وی انگیزه خود را از تألیف این اثر چنین بیان می‌کند: «در آن هنگام که فقیر حقیر در حرم مکه زاده‌ها الله تشریفاً و تعظیماً جای داشت به نسخه‌ای از این کتاب معالی قباب (فتوح الغیب) در حضرت شیخ اجل اعز اکرم، عبدالوهاب متقی قادری شاذلی رحمه الله علیه مشرف و مستفید شده بود، فرمود: هان این کتاب شیخ عبدالقادر است رضی الله عنه. این را حاصل کنید و بخوانید و دست در آن زنید و بر آن باشید و هر قدر که توانید بر آن عمل کنید و بدانید و آگاه باشید که طریقه حضرت قادریه و راه و روش این سلسله علیه این است. چون به هندوستان افتادم، نسخه‌ای از جانب بعضی از مشایخ وقت که انتساب به این سلسله شریفه دارند رسید، به وصیت شیخ آن را گرفتم و بخواندم و ورد ساختم و مدتی به ذکر الفاظ و فهم معانی تحت اللفظ وی خرسند بودم. به ناگاه پیامی از جناب عالی اسدالدین شاه ابوالمعالی که از والهان آگاه و عاشقان درگاه قادریه است در رسید، فرمود: این کتاب فتوح الغیب را ترجمه باید کرد و شرح نوشت و همه کارها را گذاشته این کار باید کرد» (نسخه خطی^۱: ۲۹۷ ب و ۲۹۸ الف). وی در رباعی پایان کتاب، تاریخ تألیف را سال ۱۰۲۳ هجری ذکر کرده است (نسخه خطی: ۲۹۹ ب).

عبدالحق، شماره و عنوان مقالات فتوح الغیب را در ترجمه خود تغییر نداده و تقسیم‌بندی جدیدی ارائه نکرده است. عنوان برخی از مقالات بدین شرح است: مقاله اول: فیما لا بدّ لکل مؤمن، مقاله دوم: فی التواصی بالخیر، مقاله سوم: فی الابتلاء، مقاله چهارم: فی الموت المعنوی... این اثر بر بیان مفاهیم بنیادین تصوف تأکید دارد و مانند بسیاری از متون عرفانی، معنا و محتوا در آن نقش محوری دارد. به همین سبب بیشتر مطالب در بخش‌های ترجمه به سبک نثر مرسل نگاشته شده است تا وفاداری به متن اصلی حفظ شود. در مواضعی که نویسنده به شرح دیدگاه‌ها و بسط و تفصیل مطالب می‌پردازد به زیبایی از نثر مسجع و فنی

۱- همه ارجاعات به نسخه خطی مفتاح الفتوح (ترجمه فتوح الغیب) براساس نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۷۶۰۵۹ است. نسخه PDF ترجمه فتوح الغیب به آدرس اینترنتی زیر در دسترس همگان است:
<https://archive.org/download/ktp2019-11-00174/ktp2019-11-00174.pdf>

بهره برده و با آوردن اشعار و شواهد عربی و فارسی و آیات قرآنی و احادیث و اصطلاحات علوم اسلامی و تشبیهات مختلف کلام خود را زینت بخشیده است. بنابراین، نشر کتاب آمیخته‌ای از نشرهای مرسل، مسجع و فنی است.

آغاز نسخه: «هذا الكتابُ فتوح الغیب لِسیدنا و مولانا العلامةِ الاوحدِ الشیخِ الامامِ العارفِ الکاملِ امامِ ائمةِ الطریقِ و شیخِ شیوخِ الاسلامِ علی التحقیقِ...»
انجام نسخه:

از فضل خدا عزّ و جل گشت تمام	صد شکر که این نامه اسرار نظام
و الله موفّق و منه الاتمام	شایستگی قبول حق روزی باد
از غیب است این، از آن بری از عیب است	این شرح که مفتاح فتوح الغیب است
در خاطر آنکه مظهر لا ریب است	مفتاح فتوح نام تاریخ افتاد

«مفتاح الفتوح» رساله‌ای است که هم عرفان عملی و آداب سلوک را می‌آموزد و هم با بیان آیات و احادیث و حکایات گوناگون می‌کوشد با تکیه بر راه و روش پیشوایان دین و عارفان واصل، شوق سلوک را در دل طالبان راه شعله‌ور سازد. در این اثر مطالب زیر به رشته تحریر کشیده شده است: ۱- بیان و تفسیری درباره آیات و احادیث و سخنان عرفا که معانی آن‌ها بر همه کس آشکار نیست، ۲- ظرایف و دقایق از قرآن و حدیث، تاریخ اسلام و سیرت پیامبر اکرم (ص) و صحابه ایشان و ۳- بیان احوال و اقوال و حکایات بزرگان ادیان و مشایخ صوفیه. بر این اساس، کتاب ترجمه و شرحی عارفانه در قالب ۷۸ مقاله است که درونمایه زهد و تصوف مانند رشته‌ای این مقالات را به هم پیوند داده است.

۸. مبانی نظری: تبیین الگوی گارسس

ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه، ضروری است و زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود و در ترجمه‌ها روندی صعودی به وجود آید.

کارمن والرو گارسس (۱۹۵۸)، استاد مطالعات زبان انگلیسی و عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا، الگویی جامع و ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده که براساس مدل

پیشنهادی وینه^۱ و داربلنه^۲ و آرای دیگر صاحب نظران در امر ترجمه، مانند نیومارک^۳، نایدا^۴، مونن^۵، دلیسل^۶ و نوبرت^۷ بنیان نهاده شده است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و زیرگروه‌های آنها) و در نهایت، دو معیار مقبولیت و کفایت بررسی و رده‌بندی می‌شوند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲). این الگو بر اساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است؛ از نظر وی، متن مبدأ و ترجمه در چهار سطح باید تا حد امکان برابری داشته باشند. این چهار سطح عبارتند از: سطح معنایی - لغوی، سطح نحوی - صرفی، سطح گفتمانی - نقشی و سطح سبکی - مقصودشناختی (گارسس، ۱۹۹۴).

در این الگو که به طور ریشه‌ای به ارزیابی کیفیت ترجمه می‌پردازد، چند ویژگی برای یک ترجمه خوب، ارائه شده است که رهگیری تمامی آنها در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، اگر واژه‌ای فاقد ویژگی‌های سطح معنایی لغوی باشد، نمی‌توان آن را طبق این الگو بررسی کرد. به عنوان مثال، یکی از مؤلفه‌های این الگو قبض است که به معنای به کار بردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه زبان مبدأ است که ممکن است در کل متن ترجمه‌ای که بر اساس بسط و توضیح نوشته شده است، حتی یک مورد از قبض یافت نشود. به همین سبب، این پژوهش، تنها به سطح معنایی - لغوی می‌پردازد تا تصویری مناسب از انتخاب‌های واژگانی عبدالحق دهلوی ارائه کند.

ویژگی‌های ترجمه که گارسس در سطح معنایی - لغوی ارائه کرده است، عبارتند از: تعریف یا توضیح، معادل فرهنگی، همانندسازی، بسط نحوی، قبض نحوی و ابهام (گارسس، ۱۹۹۴). این پژوهش بر آن است که با رهگیری مواردی که گارسس ارائه داده است به یک نقد واژگانی از متن ترجمه‌ای دست یابد.

-
- 1- Vinay, J.
 - 2- Darbelnet, J.
 - 3- Newmark, P.
 - 4- Nida, E.
 - 5- Mounin, G.
 - 6- Delisle, J.
 - 7- Nubret

۸-۱. تعریف یا توضیح^۱

تعریف، اشاره‌ای است به معنی واژه به صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله صفتی (گارسس، ۱۹۹۴)، مانند آنچه در بعضی واژه‌نامه‌ها می‌بینیم؛ به عنوان مثال، در ترجمه محدث دهلوی آمده است: «کشف در لغت: گشادن و برهنه کردن و مشاهده و معاینه کردن و به چشم دیدن» (نسخه خطی: ۳۹ الف). توضیح نیز عبارت است از افزودن اطلاعاتی که در پی اختلافات فرهنگی بین زبان اصلی و مقصد ضروری می‌شود (گارسس، ۱۹۹۴)؛ به این معنی که مترجم وقتی به واژه‌ای برمی‌خورد که خاص فرهنگ زبان مبدأ است در انتقال آن به زبان مقصد باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده در درک معنی دقیق آن دچار مشکل نشود. مانند توضیح محدث دهلوی درباره توبه خدا، ضمن ترجمه آیه «ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا»^۲ «توبه خدا بر بنده عبارت است از رجوع به رحمت و توفیق توبه» (نسخه خطی: ۳۳ ب).

۸-۲. معادل فرهنگی

معادل، پیدا کردن واژه‌ای در زبان مقصد است که جایگزین واژه‌ای با بار فرهنگی یا کارکرد مشابه در زبان مبدأ می‌شود (گارسس، ۱۹۹۴). پیتر نیومارک در این باره می‌گوید: «واژگان و اصطلاحات فرهنگی باید با معادل مناسب فرهنگ مقصد، جایگزین شوند، چرا که نماینده معنای خاصی در زبان مبدأ هستند» (نیومارک، ۲۰۰۶). برای مثال، می‌توان به معادل مدارک دانشگاهی یا معادل‌های سیاسی اشاره کرد: مجلس الوزراء: هیأت دولت و رئیس الوزراء: رئیس جمهور.

۸-۳. همانندسازی^۳

همانندسازی، روشی برای ترجمه اصطلاحات بنیادی فرهنگی است و هنگامی به کار می‌رود که مترجم مضمونی را با کلمه، اصطلاح یا استعاره خاصی که برای خواننده ترجمه آشناست، ترجمه می‌کند.

1- The Definition & Explanation

۲- سورة توبه، آیه ۱۱۸

3- Adaptation

۸-۴. بسط^۱

عبارت است از افزودن یک یا چند واژه به ترجمه بر حسب ضرورت (نیومارک، ۲۰۰۶). این مسأله، هم در معادل‌یابی واژگانی و هم در معادل‌یابی ترکیبی خودنمایی می‌کند.

۸-۵. قبض^۲

عکس شیوه بسط، قبض است و به معنای به کار بردن یک واژه در زبان مقصد، در برابر چند واژه زبان مبدأ است (نیومارک، ۲۰۰۶).

۸-۶. ابهام واژگانی^۳

گاهی متن اصلی دارای ابهام است که چگونگی برخورد با آن‌ها از منظر ترجمه‌پژوهان متفاوت است. از نظر گارسس، ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد و اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (نیومارک، ۲۰۰۶ و مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). نیومارک انواع هفت‌گانه‌ای از ابهام را برمی‌شمرد (نیومارک، ۲۰۰۶) که ما در این جا تنها به ابهام واژگانی می‌پردازیم.

۹. کاربست الگوی نقد گارسس

در این قسمت، مؤلفه‌های مطرح شده در الگوی گارسس به طور عینی، بر ترجمه محدث دهلوی پیاده می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که بررسی همه مؤلفه‌های الگوی گارسس برای یک واژه ممکن نیست، بلکه هر واژه که واجد یکی از مؤلفه‌های الگوی گارسس بوده، بررسی شده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۹-۱. تعریف یا توضیح واژه

به کار بردن تعریف یا توضیح در کتاب‌هایی به سبک ترجمه فتوح الغیب موضوعی تازه نیست که ما آن را در الگوی گارسس پیدا کرده باشیم و بخواهیم با آن راه نرفته‌ای را طی کنیم، بلکه ارزش کار گارسس در آن است که با گردآوری و معرفی مؤلفه‌های گوناگون که

1- Expansion

2- Contraction

3- Lexical Ambiguity

استفاده از روش تعریف یا توضیح واژه یکی از آن‌هاست، کوشیده است راه را برای ارزیابی جامع و دقیق کیفیت یک اثر ترجمه‌ای هموار کند.

محدث دهلوی در سراسر کتاب به ترجمه تحت‌اللفظی فتوح‌الغیب پایبند بوده، اما همواره کوشیده است با افزودن جملات تفسیری و توضیحی کاستی‌های ترجمه تحت‌اللفظی را جبران کند؛ بنابراین، ترجمه وی را باید ترجمه‌ای سراسر تعریف و توضیح دانست. همه توضیحات او در متن گنجانده شده است. این توضیحات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: «توضیح دلایل‌گزینش یک واژه»، «توضیحات تفسیری»، «توضیحات تکمیلی ترجمه».

۹-۱-۱. توضیح دلایل‌گزینش یک واژه

محدث دهلوی به سبب دقتی که در انتقال معانی و بیان مفاهیم داشته است، حتی از تعریف و توضیح ساده‌ترین واژه‌ها هم پرهیز نکرده است. مثلاً درباره علت‌گزینش کلمه «سبک» به جای «سکب» می‌گوید: «...تسبکها سبکة واحدة: می‌ریزی نمازها را یک‌بار ریختنی. و سبک: گداختن و ریختن زر و نقره در بوته. سبیکه: پاره گداخته شده از آن. اما سکب به تقدیم «کاف» بر «با» به معنی ریختن آب است و این معنی نیز مناسبت به مقصود دارد اما در نسخه‌ها سبک به تقدیم «با» یافتیم و این انطباق است به مقام؛ زیرا که زر و نقره را در بوته تا زمانی حرکتی است، چنان‌که مصلی‌را» (نسخه خطی: ۱۴۲ الف). این مسأله را درباره بسیاری از واژگان کتاب می‌توان دید:

- مترجم علت‌گزینش کلمه مُلک بر کلمات مشابه را چنین توضیح داده است: «و انْعَزَلَ عن مُلکک» و بیکار شو و بیرون آی از مملکت وجود خود و هر چه حکم و تصرف تو در آن می‌رود؛ و تواند که مُلک به کسر میم باشد اما عزل به مُلک به ضم میم مناسب‌تر است (نسخه خطی: ۲۶ الف).

- وی در گزینش برخی واژگان به تناسب آن با جمله از نظر سجع نیز نظر داشته است: «و یعلمک ربُّ المُلک» و می‌آموزاند تو را پروردگار عالم، علمی که بدان حق را از باطل بشناسی و آراسته و پیراسته می‌سازد ظاهر تو را به علم معامله، و در بعضی نسخ رب الملل جمع ملت به معنی دین و شریعت و این لفظ مناسب است به رعایت سجع (نسخه خطی: ۱۹ الف).

گاهی نیز علاوه بر ذکر دلایل‌گزینش یک واژه، تمام حالت‌های ممکن که می‌تواند جایگزین واژه شود و تأثیر هر انتخاب بر معنای جمله را بررسی کرده است: برای مثال، در

بیدخونی و آقاحسینی دهاقانی | ۳۴۱

متن زیر کلمه «اقتیباتاً» را برگزیده و ترجمه کرده، سپس جایگزین‌هایی مانند «اقتباتاً» و «افتناناً» را نیز بررسی کرده است:

- «اقتیباتاً» در بعضی نسخ به قاف و یاء مثناةً تحتانیه میان دو تاء فوقانیه است به معنی اقتدار و توانایی و مقیت که از اسماء الهی است به معنی توانا و قادر بر قوت رسانیدن به هر کس و به معنی نگاه‌دارنده و گواه و حاضر نیز گفته‌اند. و در بعضی نسخ اقتباتاً به قاف و تاء فوقانیه و باء موحده و نون و قبن به معنی انقباض و اسراع آید و تواند که افتناناً باشد از فتنه به معنی اعجاب و اختیار و اثم» (نسخه خطی: ۲۱۰ ب).

مترجم کلمه «اقتیباتاً» را برگزیده و ترجمه کرده، سپس جایگزین‌هایی مانند «اقتباتاً» و «افتناناً» را نیز بررسی کرده است؛ یعنی در ترجمه کلمات متشابه، همیشه دلیل انتخاب معنا و مفهومی خاص از میان مفاهیم مختلف را با دقت ذکر کرده و نگذاشته است احتمال اشتباه در برداشت معانی مورد نظر او به وجود آید.

۹-۱-۲. توضیحات تفسیری

می‌توان گفت ترجمه محدث دهلوی، سراسر تفسیر است. مثلاً در ذیل کلمه «وَلْيَتَلَطَّفْ» این‌گونه می‌نویسد: «شیخ روزبهان بقلی در عرائس در تفسیر سوره کهف در معنی «وَلْيَتَلَطَّفْ» می‌گوید که چون پیش عارف بروی طعام لطیف ببر که مزید لطافت و صفای احوال وی می‌گردد و چون نزد زهاد و عبّاد روی طعام غلیظ و خشک بر، تا در معامله‌ای که با نفس دارند خللی نیفتد. با هر کسی معامله موافق وقت و حال وی می‌باید کرد» (نسخه خطی: ۲۲۲ الف). و در تفاوت معنای حفظ و عصمت می‌گوید: «... انبیا علیهم السلام معصومند و اولیا محفوظ. و فرق میان عصمت و حفظ آن است که در عصمت گناه را نیابد و حفظ آنکه گناه نماند و نیاید و از ضرر وی محفوظ ماند. و عصمت پیش از گناه است و حفظ بعد از وی؛ و اگر مراد از عصمت معنی لغوی دارند معنی حفظ و عصمت یکی گردد» (نسخه خطی: ۲۲۳ الف). این توضیحات تفسیری، گاهی برای تبیین عقاید عرفانی، کلامی و فقهی و گاهی برای پیشگیری از برداشت نامناسب مخاطب نوشته شده است.

۹-۱-۳. توضیحات تکمیلی ترجمه

با دقت در طرز بیان محدث دهلوی به نظر می‌رسد که وی در بعضی مواضع ترجیح داده است ترجمه‌های مختلفی از یک عبارت بیان دارد و در گزینش یکی از آنها تردید داشته است، به همین دلیل با توضیحاتی ترجمه را کامل کرده است:

– «تَقْلِبُكَ يَدُ الْقُدْرَةِ» می‌گرداند تو را دست قدرت که عبارت از فعل حق و تصرف او است در احوال، «و يَدْعُوكَ لِسَانَ الْأَزْلِ» و می‌خواند تو را زبان ازل که اشارت به امر ارادی و حکم قضا و قدر او است و تواند که مراد به لسان ازل، کلام قدیم باشد که بدان امر و نهی می‌کند (نسخه خطی: ۱۹ الف). مترجم ابتدا «يد الْقُدْرَةِ» را به «دست قدرت» و «لسان الازل» را به «زبان ازل» ترجمه کرده، و سپس با توضیحات تکمیلی، معانی مختلفی برای آن دو برشمرده و ترجمه را کامل کرده است.

وی در بسیاری از مواضع توضیحات تکمیلی ترجمه که اغلب شامل معنی لغوی و اصطلاحی واژگان است را با عنوان «تنبیه» بیان می‌کند:

– «تنبیه» بدان که قبض و بسط دو لفظ مشهور است میان قوم و معنی قبض در لغت گرفتگی و معنی بسط ضد آن و قوم این دو صفت را از احوال قلب می‌دارند که عارض می‌شود به واسطه محبت، چون محبوب به دست آمد دل منبسط شد و اگر نیاید منقبض گردید و در قرآن مجید می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ»^۱ و به حقیقت قبض و بسط از متفرعات خوف و رجا و انس و هیبت است (نسخه خطی: ۲۱۲ ب).

۹-۲. معادل فرهنگی و همانندسازی

محدث دهلوی کوشیده است، معادل‌های فرهنگی – دینی فراوانی برای واژگان برگزیند. واژه‌های گزینش شده مترجم را می‌توان به دو دسته مرسوم و غیر مرسوم تقسیم کرد و بیشتر آن‌هایی که خود ساخته است در زمره غیر مرسوم‌ها می‌گنجد.

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۵

۹-۲-۱. واژگان مرسوم^۱

در ترجمه‌ای که محدث دهلوی به دست داده است تمام کلمه‌هایی که بار فرهنگ قرآنی و دینی خاص داشته‌اند؛ مثل نعمت، ایمان، لقا، آیت، عذاب، شرک، نسخ، تکلیف و... یا بار تاریخی خاص داشته‌اند؛ مانند مشرک، منافق، مائده، هجرت و... و یا برابر آن‌ها در فارسی، کلمه عربی دیگر است؛ مثل اجازه در برابر اذن و یا در آیات و عبارات، احکام به کار رفته و بار فقهی دارد؛ مثل حلال، حرام، استحباب، مباح و... در اکثر موارد ترجمه نشده است: - «وَإِنْ تُعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا: و اگر خواهید که شمار کنید نعمت‌های خدا را شمار نتوانید کرد، از بس بسیاری و بی شماری آن‌ها» (نسخه خطی: ۷۳ ب). مترجم کلمه «نعمت» را به خاطر بار قرآنی و دینی خاص آن ترجمه نکرده است، زیرا معادلی که جایگزین مناسبی برای آن باشد و در فرهنگ مقصد، فهم آن راحت تر باشد وجود ندارد.

اما در چند مورد نیز واژگان مرسوم فارسی را به جای واژه‌های مشهور عربی گذاشته است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

۹-۲-۱-۱. «خواندن» به جای «عبادت»

- «إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا: به درستی که آن کسانی که می‌خوانید شما ایشان را از غیر خدا مالک نیستند آن‌ها مر شما را هیچ رزقی را» (نسخه خطی: ۸۵ ب). کلمه «تعبدون» در هیچ یک از منابع به «می‌خوانید» ترجمه نشده، بلکه به معنی «می‌پرستید» آمده است. با توجه به وجود آیه مشابه «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ...» به نظر می‌رسد مترجم در تشخیص آیه و خوانش کلمه «تعبدون» دچار اشکال شده و آن را به صورت «تدعون» خوانده و ترجمه کرده است.

- «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا: ما که پروردگار عالمیم و مقدر ارزاقیم بخش کردیم میان ایشان وجه اسباب زندگانی ایشان را در حیاتی که فروتر است؛ یعنی حیات این جهان» (نسخه خطی: ۱۵۲ ب).

1- Common Words

۲- سورة إبراهيم، آیه ۳۴ و سورة نحل، آیه ۱۸

۳- سورة زخرف، آیه ۳۲

مترجم در ترجمه کلمه «دنیا»، به جای گزینش معادل کاربردی به وجه تسمیه آن توجه داشته و آن را به «فروترا» ترجمه کرده است که در زبان فارسی فاقد کارکرد یا مفهومی برابر با «دنیا» است یا کارکرد کمی دارد که نزد خوانندگان متن ترجمه چندان معمول نیست.

۹-۲-۱-۲. «دوزخ» به جای «جهنم» و «هاویه»

- «إن نار جهنم تقول للمؤمن؛ که آتش دوزخ می گوید مر مسلمان را در وقت گذشتن وی از آتش بر پل صراط: «جز یا مؤمن، فقد أطفأ نورك لهبی» روان بگذر ای مؤمن پس به تحقیق فرومیرانید نور ایمان تو زبانه مرا» (نسخه خطی: ۵۴ ب).

- «... فكيف صبرك على الخلود في الهاوية مع أهلها؟ پس چگونه باشد صبر تو بر همیشه بودن در آتش دوزخ با دوزخیان؟» (نسخه خطی: ۲۲۹ ب).

در این اثر، جهنم همیشه به دوزخ ترجمه شده، اما در مواجهه با کلمه جنت، نویسنده راه دیگری پیموده است: هرگاه کلمه‌ای عربی را به عنوان مضاف انتخاب کرده، جنت را ترجمه نکرده است؛ مانند: دخول جنت، خلود جنت، نعیم جنت و ارادة جنت؛ و هرگاه کلمه قبل از آن به فارسی ترجمه شده باشد، جنت نیز به بهشت ترجمه شده است؛ مانند: بستان بهشت، در آمدن در بهشت، پناه‌جای بهشت، دوزخ و بهشت. این مسأله در مورد ترجمه «صبر» و «بلا» نیز تکرار شده و بیانگر آن است که مترجم در معادل‌گزینی، راهبرد مشخص و یکسانی نداشته و تابع جریان کلام بوده است و به همین سبب گاهی به معادل‌های فارسی و گاهی به معادل‌های عربی رغبت بیشتری نشان داده است.

۹-۲-۲. واژگان غیر مرسوم^۱

گاهی تعمد محذرت‌دهلوی در گزینش معادل‌های فارسی با افراط همراه بوده است به طوری که واژگان انتخابی او دیگر برای فرهنگ مقصد آشنا و متعارف نیست؛ یعنی معادل‌هایی ارائه کرده که یا در بین فارسی‌زبانان کاربردی نداشته و یا به ندرت به کار رفته است.

1- Uncommon Words

۹-۲-۱. «داناننده» به جای «معلم»

- «و من معلّمی الخیر: و از دانانندگان نیکی...» (نسخه خطی: ۱۲۸ الف). «عُلِّمْتَ مَتَى يَأْتِيكَ قسمك: داناننده می‌شوی تو که کی می‌آید تو را قسمت تو و نصیب تو» (نسخه خطی: ۶۶ الف). «یعلمه و يعرفه...: می‌داناند یا می‌شناساند وی تعالی بنده را» (نسخه خطی: ۱۸۴ ب).
واژه «داناننده» در زبان فارسی جزو واژگان غریب‌الاستعمال است و از نظر بلاغی غیرفصیح و نوعی مخالفت قیاس است. همچنین است واژه «پایان‌تر» در ترجمه زیر به جای «اسفل»:

- «و المنافقين المَقْتُوعِ لَهُم بِالذَّرِكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» و صفت منافقان است که به قطع و جزم حکم کرده شده است برای ایشان به انداختن در تگکِ پایان‌تر از دوزخ» (نسخه خطی: ۲۷۲ ب). «و قوم يحطّهم إلى أسفل السّافلين؛ و گروهی دیگر فرود می‌افکند ایشان را به سوی مکانی که پایان‌ترین پایان‌ها است» (نسخه خطی: ۶۲ الف).

در زبان فارسی معادل‌های کارکردی مناسب‌تری مانند «قعر دوزخ» یا «ته جهنم» برای ترجمه «درک اسفل» وجود دارد، اما مترجم با ترجمه‌ای تحت‌اللفظی، معادل «تگکِ پایان‌تر» را برگزیده است که برای خوانندگان متن ترجمه آشنا و متعارف نیست. در مورد «اسفل السافلين» نیز به جای گزینش معادل‌هایی نظیر «پست‌ترین مراتب» یا «بدترین جای جهنم»، از معادل «پایان‌ترین پایان‌ها» استفاده کرده است.

علاوه بر مثال‌های ذکر شده نمونه‌های فراوان دیگری برای معادل‌سازی‌های غیرمرسوم در ترجمه محدث دهلوی به چشم می‌خورد که شماری از آن‌ها عبارتند از: «یاد دهانیدن» به جای «ذکر»، «شتابیدن» به جای «تسارع»، «تباهی‌کنندگان» به جای «اهل فسق»، «بربی‌هم آینده» به جای «متواتر»، «آزناک شدن» به جای «حرص»، «غیرتناک» به جای «غیور»، «میرانیدن» به جای «تمویت»، «پرهیزانیدن» به جای «حذر»، «باربار» به جای «متکرر»، «راستگو گردانیدن» به جای «تصدیق»، «بازایستادن» به جای «کف»، «آرامیده کرده شده» به جای «مسکن»، «لگام در دهان کرده شده» به جای «ملجم»، «انبازی کرده شده» به جای «مشترک»، «بریدگی کرده شده» به جای «مقطوع»، «نویدا کردن» به جای «تجدد» و «توحیدکننده» به جای موحد. وجود این حجم انبوه از واژگان غیرمرسوم در این اثر بیانگر تعهد مترجم به

ترجمه تحت‌اللفظی و پایبندی وی به اسلوب متن مبدأ است که از نقاط ضعف این ترجمه به‌شمار می‌آید.

۳-۹. بسط

بسط در الگوی گارسس به کار بردن چند واژه در برابر یک واژه از متن مبدأ در فرآیند ترجمه است. یکی از مهم‌ترین مواضع «بسط» واژگانی مبحث ترجمه مفعول مطلق است. در ترجمه این نوع مفعول مطلق‌ها که یا به فاعل اصلی خود، اضافه شده‌اند و یا فاعل اصلی آن مجرور با حرف جار است، چاره‌ای جز این نیست که از ساخت نحوی اصلی، عدول کنیم؛ زیرا ما در فارسی معادل آن را نداریم (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶). این عدول از ساخت نحوی باعث بسط واژگانی می‌شود:

– «کرامه من الله لعبده» بلکه هستند همه این اشیا سبب بزرگی از جانب خدا مر بنده خود را، «و لطفاً به» و سبب نرمی و مهربانی و مزید توفیق به بنده، «و نعمه و رزقاً» و انعام و بخشایش و روزی دادن بنده خود را، «و منفعة للواردين عليه» و سبب نفع رسانیدن مر کسانی را که فرود می‌آیند و می‌رسند بر وی از فقرا و محتاجان (نسخه خطی: ۱۲۷ الف). که به روشنی پیداست چه قدر واژگان ترجمه بیش تر از واژگان متن اصلی است.

مورد دیگر در بسط واژگانی مربوط به حال جمله است:

– «و یصلُ إلیکِ قِسمُکَ منها و أنت فیہ بها مهتأ» و برسد به سوی تو نصیب تو از دنیا، و حال آنکه گوارا کرده شده است نصیب تو برای تو یا تهنیت کرده شده‌ای تو بدان (نسخه خطی: ۱۷ الف).

– «کِتابَ عَلَیکُمُ الْقِتالُ» نوشته شده و فرض گردانیده شده است بر شما جهاد و قتال با کافران، «و هُوَ کرهٌ لکم» و حال آنکه آن قتال مکروه و ناخوش‌آینده است مر شما را، «و عسی أن تُکرهوا شیئاً و هُوَ خیرٌ لکم» و نزدیک است که مکروه پندارید چیزی را و حال آنکه آن چیز بهتر است مر شما را، «و عسی أن تُحبوا شیئاً و هُوَ شرٌّ لکم» و نزدیک است که دوست دارید چیزی را و حال آنکه آن چیز بدتر است مر شما را، «و الله یعلم و أنتم لا تعلمون»^۱ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (نسخه خطی: ۲۶۰ ب).

۱- سورة بقره، آیه ۲۱۶

بیدخونی و آقاحسینی دهاقانی | ۳۴۷

حقیقت آن است که در زبان فارسی می‌توان با یک «واو» برای جمله‌های معادل‌سازی کرد و در بیشتر اوقات نیازی به عبارت «در حالی که» نیست، این عبارت همیشه یک بسط واژگانی در پی دارد و به نظر بعضی پژوهشگران این عبارت در فارسی نامأنوس است (آذرنوش، ۱۳۸۲ و خوشرننگ، ۱۳۸۹) و بهتر است که همان واو حالیه فارسی جایگزین واو عربی شود.

همین مسأله درباره‌ی ترجمه‌ی حال مفرد هم وجود دارد و در بسیاری از موارد با اینکه امکان استفاده از حال مفرد فارسی وجود داشته، این اتفاق نیفتاده است:

– «مُمْتَبِلًا لِأَمْرِهِ؛ در حالی که فرمانبرداری کننده است مر امر ارادی پروردگار را» (نسخه‌ی خطی: ۲۳۶ الف) که یک واژه «ممتثلاً» به جمله‌ی «در حالی که فرمانبرداری کننده است» ترجمه شده است و شاید این گونه هم می‌توانست باشد: «با فرمانبرداری مر امر پروردگار را...».

همچنین برای ترجمه‌ی دقیق برخی کلمات از بسط استفاده و چندین معادل ذکر کرده است تا معنای روشنی از آن کلمه به دست دهد:

– «و بحور العین» و به زنان سخت‌سپید سیاه‌چشم گردحده‌ی درازمژگان سفیدروی سیمین‌بدن گشاده‌چشم، «و أنواع الطیب» و به گوناگون بوی‌های خوش، «و صوت القیان» و به آواز کنیزکان سرودگویی، «مع ذلك النعیم» با آن ناز و نعمت و نیکویی که مذکور شد یا آن نعیم که در آن عالم است و به کنه صفات آن نتوان رسید، «تَجَبَّرُونَ» نیکو حال کرده شوید» (نسخه‌ی خطی: ۷ ب).

معادل‌سازی‌های ترکیبی با افزودن اجزاء متعدد نظیر «نماینده»، «کرده‌شده» و «کننده» نیز باعث بسط واژگانی شده است و موارد فراوانی از این دست در سراسر نسخه به چشم می‌خورد: هادیماً و مهدیاً؛ راه راست نماینده خلق را و راه راست نماینده شده از حق، خصم: خصومت‌کننده و نزاع‌نماینده، مفتقراً: درویشی و حاجتمندی نماینده، موافق: سازگاری نماینده، موفّق: سازوارسازنده، المنصوبه: ایستاده کرده شده، مواصل: مهربانی نموده شده، مکلف: تکلیف کرده شده، خلق: پیدا کرده شده، مدفون: نهان کرده شده، مطموس: ناپدید کرده شده، ملجم: لگام در دهان کرده شده، مسخر: رام و فرمانبردار کرده شده، ملازم: پیوسته و چسبان شونده و اقر: آرام‌یابنده‌تر و خنک‌شونده‌تر.

۹-۴. قبض

ترجمه محدث دهلوی به خاطر رویکرد تفسیری دارای بسط واژگانی به شکل‌های گوناگون است و چون حکم در نوشتن این ترجمه بر تفصیل بوده، طبیعی است که موارد قبض واژگانی در این اثر بسیار اندک باشد. تنها موضعی که محدث دهلوی فرصت ایجاد قبض را غنیمت شمرده، الفاظ عربی مترادف در کتاب فتوح الغیب است که مترجم در بسیاری از موارد برای دو لفظ مترادف، یک معادل برگزیده و ذکر الفاظ مترادف را حمل بر تأکید و مبالغه کرده است:

- «فیقرِّبه منه و یدنیه» پس نزدیک می‌گرداند او را از خود (نسخه خطی: ۲۰۶ ب). در این عبارت یک فعل را در برابر دو فعل مترادف آورده است.
- «و احرى و اولی» و سزاوارتر است به حال تو (نسخه خطی: ۹۶ ب). در این عبارت، واژه «سزاوارتر» به عنوان معادل دو کلمه مترادف «احری» و «اولی» انتخاب شده است.
- «و کثرة همومهم و غمومهم» و بسیار می‌گردد اندوه‌های ایشان (نسخه خطی: ۲۰۲ ب). در این عبارت نیز برای «هموم» و «غموم» یک معادل آورده و باعث کاهش در متن مقصد شده است.
- «و منبعاً لكل نعمة و سرور و حبور و نور و ضیاء و أمن و سکون» و می‌باشی تو چشمه زاینده مر هر نعمت را و خوشی و آراستگی را و روشنایی و ایمنی و آرام را (نسخه خطی: ۲۴ الف). در این مثال، برای «نور» و «ضیاء» یک معادل آورده که باعث قبض شده است. برای ایجاد قبض واژگانی، راهبردهای مختلفی وجود دارد که می‌توان به روش‌هایی چون حذف فعل به قرینه صارفه، تبدیل مجهول به معلوم و جایگزین شدن گروه فعلی با گروه اسمی اشاره کرد (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶). در ترجمه محدث دهلوی هیچ کدام از این موارد را نمی‌توان یافت. برعکس، سعی وی بر حفظ فعلی است که می‌توان به قرینه صارفه آن را حذف کرد. همچنین با تأکید بر مجهول بودن همه معادل‌های کلمات مجهول و پرهیز از جایگزین شدن گروه فعلی با گروه اسمی، هرگونه امکانی برای بهره‌گیری از فرصت قبض واژگانی را نادیده گرفته است.

۵-۹. ابهام

زبان‌شناسان معتقدند: هنگامی که چندین دلالت مربوط به یک صورت واحد باشند، ابهام پیش می‌آید؛ در این حالت دو نوع ابهام هم‌آوایی و چندمعنایی رخ می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۴ و احمدی، ۱۳۹۵). هم‌آوایی همانی است که در زبان عربی به «اشتراک لفظی» از آن یاد می‌شود، واژگانی که لفظ یکسان و معنای متفاوت دارند. چندمعنایی هم ناظر به واژگانی است که دو یا چند معنا دارند؛ از این معانی معمولاً یکی حقیقی و دیگری مجازی است (مختار عمر، ۱۹۹۸). بی‌گمان سخن از ابهام در متون عرفانی مانند فتوح‌الغیب از آنجا که مشحون از آیات و احادیث است باید با احتیاط همراه باشد، چرا که آیات قرآن هیچ ابهامی ندارد. آنچه در این پژوهش به عنوان ابهام از آن نام برده می‌شود، همان چندمعنایی اصطلاحات و واژگانی است که در همه متون عرفانی وجود دارد. طبق نظر گارسس «ابهام عمدی» باید منتقل شود و «ابهام غیر عمدی» باید برطرف شود. برای بیان راهبرد مترجم درباره ابهام که بیشتر از نوع اول است، نمونه‌های فراوانی در کتاب یافت می‌شود:

– «اولاً و آخراً» در اول و در آخر یعنی در مبدأ و معاد، یا در ازل و ابد، یا در دنیا و آخرت، یا در اول هر امر و آخر آن، «ظاهراً و باطناً» در دل و بر زبان یا در عالم ارواح و اشباح یا بعد از ظهور در مرتبه خالقیت و در حال بطون در مرتبه احدیت، «عَدَدَ خَلْقِهِ» به شمار مخلوقات او، «وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» و مقدار اسما و صفات وی یا کلام قدیم وی و معانی و اشارات آن، «و زِنَةَ عَرْشِهِ» و به وزن عرش عظیم وی، «و رِضَا نَفْسِهِ» و چنان که راضی گردد ذات کریم وی از آن، «و عَدَدَ كُلِّ شَفْعٍ وَ وَتْرٍ» و به شمار هر جفت و طاق که همه افراد کائنات از علویات و سفلیات را شامل است، «و رَطْبٍ وَ يَابِسٍ» و به شمار هر تر و خشک که کنایت است از تمامه معلومات ثابته در کتاب مبین (نسخه خطی: ۱ ب).

محدث دهلوی در ترجمه کلماتی نظیر «اول»، «آخر»، «ظاهر»، «باطن»، «کلمه»، «شفع»، «وتر»، «رطب» و «یابس» که دارای ابهام است، کوشیده است تا با ارائه توضیحاتی، چندمعنایی این اصطلاحات را برطرف کند. در مثال زیر نیز از کلمات «مشکات» و «مصباح» با آوردن معادل‌های «سینه» و «دل روشن» رفع ابهام کرده است.

- «و لقد أظهرَ في هذا الكلامِ من أسرارِ المعرفةِ» و به تحقیق ظاهر کرده است ابن عباس رضی الله عنه در این کلام از اسرار معرفت، «ما لا يظهرُ إلّا من مشكاةٍ فيها مصباحٌ» آنچه ظاهر نگردد مگر از سینه‌ای که در وی دل روشن است» (نسخه خطی: ۲۷۶ ب).

مترجم در نمونه‌های زیر نیز اصطلاحات «نور»، «وجه کریم»، «معرفت»، «اسرار»، «جوار»، «دار»، «قرب» و «امر» را که دارای معانی چندگانه هستند به گونه‌ای ترجمه کرده و شرح داده است که هرگز ابهام این کلمات به متن مقصد منتقل نشود:

- «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ» و روشن شد روی زمین به روشنایی علم و دین وی (نسخه خطی: ۳ ب).

- «و وُلِّيَ عُنْكَ وَجْهَهُ الْكَرِيمِ» و بگردانید از تو روی بزرگ خود را یعنی لطف و عنایت و کرم خود را (نسخه خطی: ۵۶ الف).

- «فَتَنَعَّمْ بِالْمَعْرِفَةِ وَ الْعُلُومِ وَ الْأَسْرَارِ» پس نعمت داده می‌شوی به شناسایی ذات و صفات و افعال حق و علوم به طریق سلوک و وصول به جناب قرب وی و علوم لدنیّه و اسرار و حقایق و احوال موجودات و حکمت‌های پوشیده در خلق و ایجاد، «و تسكن في الآخرة دار السلام» و ساکن و مقیم گردانیده شوی در آخرت در بهشت، «مع الأنبياء و الصّديقين و الشهداء و الصّالحين» با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، «فی جوار الله» در همسایگی رحمت خدای تعالی، «و داره» و در سرای وی که مقام خاص باشد مر مقربان را، «و قربه» و در نزدیکی او به نزدیکی معنوی و عندیّت حقیقی، «و الأنس به» و آرام یافتن به ذکر و شهود وی عزّ و جلّ (نسخه خطی: ۱۱۸ الف).

- «مُمْتَلًا لِأَمْرِهِ» در حالی که فرمانبرداری کننده است مر ارادی پروردگار را و امر تشریحی نیز باقی است به طریق وجوب یا استحباب یا اباحت (نسخه خطی: ۲۳۶ الف).

محدّث دهلوی در ترجمه فتوح الغیب هرگز ابهام و اشتراک لفظی را از متن مبدأ به متن مقصد منتقل نکرده و همواره کوشیده است که تا حد امکان ابهام‌های واژگانی فتوح الغیب را با توضیح و تفسیر، رفع و ترجمه‌ای بدون ابهام ارائه کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که به ارزیابی ترجمه محدث دهلوی براساس سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس پرداخته است، بیانگر نقاط قوت و ضعف مترجم در مؤلفه‌ای خاص و اهتمام بیشتر مترجم به دو یا سه مؤلفه از سطح معنایی- لغوی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر است. در مبحث توضیح و تفسیر واژگان، ترجمه محدث دهلوی یک ترجمه کاملاً توضیحی است؛ مترجم هم دلایل انتخاب معادل فارسی بسیاری از واژگان فتوح‌الغیب را بیان داشته و هم توضیحات تفسیری و ترجمه‌ای مرتبط با واژگان را ذکر کرده است. محدث دهلوی در قسمت همانندسازی و گزینش معادل فرهنگی نیز تلاش فراوان کرده است؛ او هم واژگانی نو را ابداع کرده و هم از واژگان کهن فارسی در ترجمه‌اش سود جسته که گاهی مرسوم و گاهی غیرمرسوم است. قبض و بسط واژگانی ترجمه محدث دهلوی، بیشتر ناظر به تغییر ساختار عربی مفعول مطلق، حال مفرد یا جمله و الفاظ مترادف است.

محدث دهلوی با مبحث ابهام واژگانی همیشه به یک شکل برخورد کرده است؛ یعنی چندمعنایی واژه را با آوردن چند معادل با هم حل کرده در صورتی که این امکان وجود داشته است که با تکیه بر تسلط بر زبان فارسی واژه معادلی برگزیند که ابهام واژه مبدأ را در متن مقصد نشان دهد.

مترجم در اکثر مواضع، خود را پایبند به اسلوب متن اصلی و ملزم به انتقال همان اسلوب به متن ترجمه می‌داند و گاهی نیز ظرافت‌های زبانی و شیوه‌های بیانی متن مقصد را در اولویت قرار می‌دهد؛ بنابراین، ترجمه محدث دهلوی از کتاب فتوح‌الغیب با توجه به الگوی گارسس قابل قبول است، اما با ترجمه آرمانی که خواننده بوی ترجمه را از متن احساس نکند و فرآیند ترجمه را از یاد ببرد فاصله دارد. به بیان دیگر، هر چند خواننده ترجمه محدث دهلوی با اثری روبه‌روست که واجد دو اصل «کفایت» و «مقبولیت» است، اما هیچ‌گاه احساس نمی‌کند ترجمه‌ای یکنواخت و روان را می‌خواند، گویی که به دست یک نویسنده به رشته تحریر درآمده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Bidkhuni
Hossein Aghahosseini Dehaghani



<http://orcid.org/0000-0001-6508-0257>
<http://orcid.org/0000-0002-3943-0038>

منابع

قرآن کریم

- احمدی، محمدرحیم. (۱۳۹۵). نقد ترجمه ادبی. تهران: رهنما.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۹). ترجمه قرآن. تهران: نشر کتاب مرجع.
- حاج سیدجوادی، سیدکمال. (۱۳۸۷). شیخ عبدالحق محدث دهلوی. آینه میراث، ۶(۱)، ۱۳۳-۱۴۵.
- خوشرننگ، مجتبی. (۱۳۸۹). معنا شناسی نحوی حال در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- رحیمی خویگانی، محمد. (۱۳۹۶). نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۷(۱)، ۶۹-۹۴.
- رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین. (۱۳۹۲). ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان دن کیشوت اثر میگوئل دوسرواتس براساس الگوی گارسس. فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ۵(۱۵)، ۴۲-۵۶.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی معناشناسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- عبدالحمید لاهوری. (۱۸۶۸). پادشاه‌نامه. به کوشش کبیرالدین احمد و عبدالرحیم کلکته: بی‌نا.
- فراهی، پروین. (۱۳۹۲). بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه، نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محدث دهلوی، عبدالحق. (۱۳۸۳). اخبار الاخیار فی اسرار الابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ نسخه خطی مفتاح الفتوح به شماره ۰۶۸۴. پاکستان: کتابخانه گنج‌بخش.
- _____ نسخه خطی مفتاح الفتوح به شماره ۱۳۹۰. پاکستان: کتابخانه گنج‌بخش.
- _____ نسخه خطی مفتاح الفتوح به شماره ۱۷۶۰۵۹. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۸). علم الدلالة. قاهره: عالم الکتب.
- مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه. مترجم. ۶(۲۵)، ۵۰-۵۸.

ملا عبدالقادر بدایونی. (۱۹۶۲). *منتخب التواریخ*. لاهور: بی‌نا.
نیومارک، پیتر. (۲۰۰۶). *الجامع فی الترجمة*. ترجمه حسن غزاله. بیروت: مکتبة الهلال.

References

- Ahmadi, M. (2016). *Literary translation critique*. Tehran: Rahnama. [In Persian]
- Azarnoosh, A. (2010). *Translation of the Quran*. Tehran: Publication of Reference Books. [In Persian]
- Drayati, M. (2010). *Catalog of Iranian Manuscripts*. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Farhadi, P. (2013). *Review, Critique and Evaluation of the Translation of Arabic Texts (Study, Critique and Evaluation of Ghassan Kanfani's Translated Works in Three Sections: Stories, Narrations and Commentaries)*. Master Thesis, University of Tehran. [In Persian]
- Garcés, C. (1994). *A Methodological Proposal for the Assessment of Translated Literary Works*. Babel. 40(2).
- Hajj Seyed Javadi, S. (2008). *Sheikh Abdul Haq Muhaddith Dehlavi. Mirror of Heritage*. 6 (1). 133-145. [In Persian]
- Khosh Rang, M. (2010). *Syntactic Ssemantics of the Present in the Holy Quran*. Master Thesis, University of Isfahan. [In Persian]
- Lahore, A. (1868). *The King's Letter*. By the Efforts of Kabir al-Din Ahmad and Abdul Rahim. Calcutta. [In Persian]
- Mokhtari Ardakani, M. (1997). *A Theoretical Framework for Translating Evaluation*. Translator. 6 (25). 50-58. [In Persian]
- Muhaddith Dehlavi, A. (2004). *Akhbar Al-Akhyar Fi Asrar Al-Abrar*. Correction and Explanation by Ashim Khan. Tehran: Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]
- _____. *Manuscript of Muftah al-Futuh* No. 0684. Pakistan: Ganjbakhsh Library. [In Persian]
- _____. *Manuscript of Muftah al-Futuh* No. 1390. Pakistan: Ganjbakhsh Library. [In Persian]
- _____. *Manuscript of Muftah al-Futuh* No. 776059. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Mukhtar Omar, A. (1998). *The Science of Evidence*. Cairo: The World of Books. [In Arabic]
- Mullah Abdul Qadir Badayouni. (1962). *Selected Dates*. Lahore.
- Newmark, P. (2006). *Textbook of Translation*. Translated by Hassan Ghazaleh. Beirut: Al-Hilal School. [In Arabic]
- Rahimi Khoigani, M. (2017). *Vocabulary Critique of Mousavi Garmaroodi's translation of the Holy Quran*. Studies on the translation of the Qur'an and Hadith. 7 (1). 69-94. [In Persian]
- Rashidi, N. (2013). *Evaluation and Comparison of two Persian Translations of Don Quixote novel by Miguel Doservantes based on Garcés' model*. Persian Language and Literature Quarterly. Faculty of Literature and

۳۵۴ | پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی | سال ۱۱ | شماره ۲۴ | بهار و تابستان ۱۴۰۰

Foreign Languages. Islamic Azad University. Sanandaj Branch. 5 (15). 42-56. [In Persian]
Safavi, K. (2005). *Descriptive Dictionary of Semantics*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]

استناد به این مقاله: بیدخونی، محمد، آقاحسینی دهاقانی، حسین. (۱۴۰۰). نقد واژگانی ترجمه شیخ عبدالحق محدّث دهلوی از فتوح الغیب (با تکیه بر سطح معنایی- لغوی گارسس). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱ (۲۴)، ۳۲۹-۳۵۴. doi: 10.22054/rctall.2021.58127.1530



Translation Researches in the Arabic Language & Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.